

علی السلام
 که بوجی معلوم کرده بود که بعد از وی در زمان نوح
 طوفانی خواهد بود که هر عالم آب بکشد بر همه کجها
 و جواهرها انجاء کرد و این قبیل ساخت و طلسمها
 و پیرداخت و از چشم مردمان پنهان کرد تا در آن طوفان
 ضایع نشود و عمارتی جهان استوار داشت کرد که در
 طوفانی سخت خراب شد و این زمان هجانی هست و مسلمانان
 انجاء میزند و عجایب و غرائب آن مشاهده میکنند
 و این مکتبه حاکمی که مؤلف این کتاب است از لفظ مبارک
 شیخ الاسلام استاد و مقتدای اهل عالم شرقاً و غرباً
 بزرگوار و مجتهد شیخ محمد المله و الشریعه و الدین ابو طاهر
 محمد بن یعقوب الفیروز آبادی اعلی الله تعالی شأنه هجری
 نهایه کرده که در انجاقهای بسیار است بعضی بر کتب
 کوچک هم ملحق و سرهای آن باریک و بین آن بغایت
 فواخ و چندان بلندی دارد که سر بر آن میزنند و هیچ
 یک از آن قبیل در زنداند و بهیچ آمدن آنرا سوراخ نمیتوان

کرد

کرد و دائم طایق گردان میکنند و از آن طلسمات
 میجویند و میبایند و در مصر ایشانرا طالبان میگویند پس
 هر کسی که نسخه از طلسم کشای میباید کجهای در میباید
 بر آن انجاء شیخ مشاهده کرده بود بعضی با بیان کرده و از جمله
 گفت که مردی شیرازی در مصر ناوایی میکرد و یک چشم را
 و هر وقت که در مصر بصحبت آمدی و در مجلس نشستی تا نزد
 از وی سوال کردم که چشم ترا چه شده است گفت زوری کرد
 دهان بسته بودم شخصی آمد گفت ای مرد چند است و در کار
 کتف چهار یک گفت استرلن بایراق یعنی تاجه و رسن و یک
 توبه کوچک نیز یا خود بردار که در مجلسی باری چند دارم
 تا بشنوی و بعد من استر و اسنان بر گرفته و با وی بر فتم تا بقبه
 انجاء بر فتم و سر جانهای سلیم بر آن آب بود پس نسخه
 بردارد و بخواند و بعد در آن چاه دمید پس آب را به یکبار
 فرو رفت پس رسی در آن توبه کوچک کرد و با تندر و راه
 و توبه بر میکرد و من یا لا میکشیدم تا با آبها را جمع